



## معرفی و نقد کتاب زبان گورانی گوراجوب، روستایی در غرب ایران، همراه با متون، دستور، و واژگان

پروین محمودویسی و همکاران، ۲۰۱۲

مسعود محمدی راد<sup>۱</sup>

اصطلاح گورانی در طول تاریخ در چند مفهوم به کار رفته است؛ در سنت قدیمی‌تر اروپاییان از زبان‌شناسی ایرانی اصطلاح گورانی به زبان مردم گوران اطلاق می‌شد که هم از فارسی و هم از کردی متمایز بوده و مناطقی از رشته کوه‌های زاگرس را شامل می‌شد که در مرز ایران و عراق قرار داشتند. به گروه‌های دیگر نظیر باجلان که در غرب موصل زندگی می‌کردند نیز گوران اطلاق می‌شد. در مفهوم دیگر، گورانی به زبان نوشتاری در دوره حکومت محلی خاندان اردلان بر کردستان اطلاق می‌شود که حدود شش قرن به طول کشید. گورانی همچنین زبان متون مقدس آیین اهل حق (یا یارسان) است. مکنزی (۴:۱۹۶۶) هورامی را نیز گونه‌ای از زبان گورانی می‌داند. هنگام (۱۹۳۰) عنوان می‌دارد که هورامی و گویش گورانی منطقه کندوله اساس زبان گورانی را تشکیل می‌دهند. امروزه، گورانی در میان ساکنان منطقه، اگر اصلاً به کار رود، به زبان شعر و نیز متون مقدس اهل حق اطلاق می‌شود.

این کتاب به عنوان بخشی از پروژه مستندسازی زبان گورانی که زبانی در خطر انقراض است، تألیف شده است. نویسندگان زبان مورد تکلم در روستای گوراجوب (تلفظ محلی Gawraǰū) و نیز روستای زرده (Zarde)، که توصیف زبانی آن در کتاب دیگری آمده است، را نزدیک به زبان گورانی‌ای می‌دانند که قبلاً در سطح وسیعی از منطقه رایج بوده است. پروژه تألیف این کتاب از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ به طول انجامیده است. متونی که در کتاب آمده در دو سفر جداگانه در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ به این روستا ضبط شده است. بیست و پنج متن ضبط شده که از این میان نه متن با تحلیل کامل در کتاب آمده است و نسخه صوتی هفت مورد از این نه متن در قالب لوح فشرده همراه با کتاب عرضه می‌شود. از جمله ویژگی‌های بارز کتاب جمع‌آوری

داده‌های زبانی از طریق تحقیق میدانی در محل است. داده‌های زبان گورانی با استفاده از نرم‌افزار ایلن<sup>۱</sup> که نرم‌افزاری معتبر در بررسی داده‌های گویشی است، مورد تحلیل قرار گرفته است.

کتاب ۲۷۶ صفحه دارد و از پنج فصل تشکیل شده است: فصل اول پیش درآمدی بر جامعه زبانی گوران و متون آنهاست. فصل دوم مربوط به واج شناسی، صرف، و نحو گونه گوراجوبی از زبان گورانی می‌شود. در فصل سه، متنی را همراه با تحلیل معنی تک تک واژه‌ها و تکواژها آورده‌اند. در فصل چهار، تعداد نه متن از زبان گورانی همراه با ترجمه‌های این متون آمده است، و فصل پنج به واژگان این زبان اختصاص دارد.

فصل اول کتاب به توصیف روستای گوراجوب، توصیف وضعیت زبانی روستا و نیز وضعیت زبانی استان کرمانشاه، و توضیحاتی درباره اصطلاح گورانی اختصاص دارد. روستای گوراجوب در شهرستان دالاهو در غرب استان کرمانشاه واقع است. شهرستان دالاهو را عموماً منطقه گوران نشین می‌نامند. شغل مردم این روستا دامداری و کشاورزی است و به آیین یارسان معتقدند. مردم این روستا به گویشی صحبت می‌کنند که نزدیک به زبان گورانی‌ای است که در متون مقدس یارسان آمده است.

نویسندگان در ادامه به وضعیت زبانی در استان کرمانشاه می‌پردازند. آنها به سه زبان عمده در استان اشاره دارند که به این ترتیب است: زبان فارسی که به عنوان زبان رسمی و تنها وسیله آموزش به کار می‌رود. گروه زبانی دوم کردی است که شامل گویش‌های جنوبی و مرکزی کردی است. اگر چه کردی را به طور سنتی جزو زبان‌های ایرانی شمال غربی در نظر می‌گیرند، در سال‌های اخیر، تمایز قطعی بین زبان‌های ایرانی شمال غربی و ایرانی جنوب غربی مورد تردید قرار گرفته و زبان‌شناسی چون کُرن (۲۰۰۳) و پاول (۱۹۹۸) گونه جنوبی کردی (یا کلهری) را به زبان‌های ایرانی جنوب غربی نزدیکتر می‌دانند. زبان دیگری که در این استان به آن تکلم می‌شود لکی است.

گورانی زبان دیگری است که در منطقه رواج دارد. مهم‌ترین گویش زبان گورانی، هورامی است که در مناطق شمال شرقی استان کرمانشاه (شهرستان پاوه) و جنوب غرب استان کردستان و نیز در مناطقی در حلبچه عراق به آن تکلم می‌شود و رساله‌ها و مقالات زیادی درباره جنبه‌های مختلف زبانی آن به نگارش درآمده است.

نویسندگان در توصیف وضعیت زبانی روستای گوراجوب عنوان می‌دارند که می‌توان گفت مردم روستا سه زبانه هستند و به زبان‌های فارسی، گورانی، و گونه محلی کردی که از آن برای ارتباط با روستاهای همجوار استفاده می‌کنند، تکلم می‌کنند. نویسندگان کتاب یکی از ضرورت‌های تحقیق بر روی زبان این روستا را پروژه سدسازی بر روی رودخانه زمکان در منطقه می‌دانند که باعث شده بود بسیاری از مردم روستا آنجا را ترک کنند. از این رو، آنها پیش‌بینی می‌کردند که این گونه گورانی در طی یک نسل منقرض شود. شایان ذکر است گویش گورانی این روستا شباهت‌های زیادی به گویش هورامی شهر پاوه و اطراف آن دارد. تفاوت گونه گوراجوب با گونه گورانی کندوله و هورامی در عدم تصریف جنس در اسم و تفاوت در صیغگان مطابقه در

فعل است. گوراجوبی از کردی کله‌ری تأثیرات زیادی پذیرفته است. تنها در دو روستای گوراجوب و زرده به گورانی تکلم می‌شود که توصیف زبانی گویش زرده در کتاب دیگری از نویسندگان آمده است. فصل دوم کتاب به توصیف جنبه‌های مختلف زبان گورانی می‌پردازد که در سه بخش کلی واج‌شناسی، صرف، و نحو جای دارد.

زبان گورانی در نظام واجی خود دارای ۱۰ مصوت شامل [ā [a:], a [æ], e [ɛ], ē [e:], i [i:], ā [i:], ü [y], ū [u:], au [u], o [o]] در صفحه ۱۱ این تعداد را تا ۱۱ مصوت نیز ممکن می‌دانند و واکنه میانی پیشین گرد [ö] را به فهرست واکنه‌ها اضافه می‌کنند. از میان واکنه‌ها، واکنه‌های a, i, o, u، واکنه‌های کوتاه و واکنه‌های ā, ē, ē, ā, ō, ā, ö، و ü واکنه‌های بلند محسوب می‌شوند. تعداد صامت‌ها ۲۸ عدد است: m, ʔ, ʕ, q, g, k<sup>h</sup>, d, t<sup>h</sup>, b, p<sup>h</sup>, w, j, ʧ, l, ʰ, h, ʁ, x, ʃ, č, ž, š, z, s, f, r, ř, n. یای مجهول در کلماتی چون tēž «تیز» است. در حالی که واو مجهول کمتر و به صورت حاشیه‌ای وجود دارد. نیز وجود واکنه پیشین بسته گرد [y]، که در کردی جنوبی نیز به کار می‌رود، و نیز واکنه میانی پیشین گرد [ö] از ویژگی‌های جالب نظام واکنه‌ها است.

نویسندگان توصیف دقیقی از ē و ī ارائه نکرده‌اند و عنوان می‌دارند که این دو به هم نزدیک‌اند و نمی‌توان این دو را از هم تشخیص داد (ص، ۱۱). از نظر آنها صامت‌های /ʔ/, /ʕ/, /h/ در کلماتی نظیر baʔd «بعد»، ḥamla «حملة»، tazʔin «تزیین» از طریق فارسی از عربی وام گرفته شده‌اند.

صرف در زبان گورانی روستای گوراجوب پیچیده‌تر از فارسی نو و ساده‌تر از هورامی است. اسم در گونه گوراجوبی شمار، و معرفگی را نشان می‌دهد و برخلاف گونه هورامی که مکنزی در ۱۹۶۶ بررسی کرده جنس دستوری و حالت را نشان نمی‌دهد. شمار مفرد با تکواژ صفر همراه است و همانند سورانی تکواژ -ān نشانه جمع است مانند pāṭawān-ān «پهلوانان». پسوند جمع می‌تواند با نشانه معرفه «-aka» همراه شود، مانند māmir-akān «مرغ‌ها». پسوند معرفه ساز همانند کردی مرکزی -aka است و پسوند نکره ساز نیز (y)ē- یا (y)ēk- است مانند daryā-yēk «دریایی، یک دریا». همچنین، پسوند نکره ساز دیگری وجود دارد، (y)ē-، که به نظر می‌رسد از فارسی وام گرفته شده است. در یکی از مثال‌هایی که برای این پسوند می‌آورند به اشتباه واکنه آخر کلمه «قوری» qūrī را پسوند نکره‌ساز گرفته‌اند که درست نمی‌باشد (ص، ۱۵). صفت اشاری برای اشاره به دور ā و برای اشاره به نزدیک ī است، مانند: ā lūla buxwārī=yā «آن لوله بخاری» و ī quī asp=a «این پای اسب». نویسندگان کتاب واکنه a را که به آخر گروه اسمی شامل صفت اشاری اضافه می‌شود، ادات در نظر گرفته‌اند. ساخت اضافی در گورانی گوراجوب مانند فارسی و کردی است و در آن مضاف قبل از مضاف الیه قرار می‌گیرد؛ در بسیاری موارد، پسوند اضافه به کار نمی‌رود (مانند: das min «دست من»)، اما در گفتار افراد جوان تکواژ -e نشان‌دهنده ساخت اضافی است (مانند: ka=y īme «خانه ما»)، هر چند عوامل واجی را نیز می‌توان دلیل استفاده از پسوند اضافه دانست چرا که پسوند اضافه پس از

اسم‌هایی ظاهر می‌شود که به مصوت ختم می‌شوند. ضمایر شخصی تمایز حالت و جنس را نشان نمی‌دهند و ضمایر سوم شخص در نقش ضمایر اشاری نیز به کار می‌روند (جدول ۱).

جدول ۱: ضمایر شخصی در گورانی گوراجوب

جمع	مفرد	
ēma و نیز ĩma در کردی جنوبی	min	۱
šima	tu	۲
ānān(a), ĩnān(a), ānānī, ĩnānī	ān(a), ĩn(a), ānī, ĩnī	۳

ضمایر انعکاسی در گوراجوبی شامل wē و ĩštan است که دومی در زبان تالشی نیز به عنوان ضمیر انعکاسی به کار می‌رود (پاول، ۲۰۱۱: ۸۲). واژه بست‌های ضمیری در گوراجوبی شامل =m(i)t، =m(i)š، =mān، =tān، =šān است که همانند واژه بست‌های ضمیری در هورامی و فارسی است و در ضمایر پی‌بستی سوم شخص مفرد و جمع با کردی (به ترتیب y= و yān=) تفاوت دارد. نکته مهم دربارهٔ واژه‌بست‌های ضمیری نشان‌گذاری فاعل متعدی در ساخت‌های متعدی زمان گذشته است که از این لحاظ گورانی را در کنار زبان‌های کردی سورانی، هورامی، تالشی، لکی، وفسی، دوانی، لارستانی، دلواری، نائینی، تاتی، و بلوچی (ایران‌شهری) قرار می‌دهد و از زبان‌های فارسی، شه‌میرزادی، بلوچی زابلی (سیستانی)، کردی جنوبی، لری، گیلکی، و مازندرانی متمایز می‌کند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲). همچنین، واژه‌بست‌های ضمیری در نقش مالک گروه اسمی، متمم حرف اضافه، کنش‌پذیر در زمان حال، و نقش‌های معنایی دریافت‌کننده و بهره‌ور به کار می‌روند.

فعل‌های زماندار در گورانی گوراجوب مانند سایر زبان‌های ایرانی با دو ستاک حال و گذشته ساخته می‌شود. ستاک ممکن است با پیشوندهای ma- (نشان‌دهنده وجه اخیای و نمود ناقص)، bi- (وجه التزامی و امری)، -na، -ni، -ma (نشان‌دهنده نفی) به کار رود. در میان پیشوندهای نفی -na و -ma به جای هم به کار می‌روند و کاربرد ni- محدود میشود به فعل‌هایی که ستاک حال دارند (ni-ma-zān-ē «نمی‌داند»)، در حالیکه -na همراه با وجه التزامی در فعل‌های ساخته شده از ستاک حال (مانند: na-wīn-im «نبینم»، که در آن پیشوند التزامی -ba به دلیل وجود -na حذف می‌شود) و فعل‌های ساخته شده از ستاک گذشته به کار می‌رود. ستاک گذشته معمولاً با افزودن -d (مانند: -d mard, mar- «مردن»)، -t (مانند -kuš, kušt «مردن»)، -ī (مانند fām, fāmī «فهمید»)، -is (مانند -is daw, dwis «دویدن») به ستاک حال ساخته می‌شود. همچنین، صورت‌هایی وجود دارد که ستاک حال و گذشته یکسان است (kyās «فرستادن»). صورت‌های مکمل نیز مشاهده می‌شود (مانند wīn- ستاک حال، dī ستاک گذشته «دیدن»). صورت‌های بی‌زمان شامل ساخت وجه وصفی مجهول و مصدر است که هر دو با اضافه شدن -a به ستاک گذشته فعل ساخته می‌شوند (مانند: kard-a «کردن، کرده شده»).

به منظور مطابقت، دو دسته پسوندهای مطابقت و همچنین واژه‌بست‌های ضمیری به کار می‌رود. دسته اول پسوندهای مطابقت برای مطابقت با فاعل فعل لازم و فاعل فعل متعدی در فعل‌های ساخته شده از ستاک حال به کار می‌رود. دسته دوم از پسوندهای مطابقت (که فرقیان با دسته اول تنها در وجود پسوند سوم شخص مفرد است که در این دسته به صورت تکواژ صفر ظاهر می‌شود) برای مطابقت با فاعل فعل لازم و مفعول جمع، وقتی که در جمله حاضر نباشد، به کار می‌روند. مانند مثال ۱ که در آن پسوند مطابقت با مفعول به ستاک متصل می‌شود و واژه‌بست مطابقت با فاعل بعد از آن قرار می‌گیرد:

(1) aṣ āwrāyī koštāyām=it  
through hunger kill.PST 1PL=BP.2SG

«از گرسنگی ما را کشتی»

نویسندگان در صفحه ۳۹ نظام مطابقت بر روی فعل‌های ساخته شده از ستاک گذشته را پیچیده توصیف می‌کنند، آنها نکاتی را برای مطابقت با فاعل و مفعول متذکر می‌شوند، اما به نظام انطباق به کار رفته در ساخت‌های متعدی گذشته اشاره نمی‌کنند. با توجه به مثال‌هایی که در کتاب آمده، نظام انطباق در زمان حال فاعلی-مفعولی است و در زمان گذشته شاهد سه نظام انطباق هستیم؛ اگر مفعول محذوف جمع باشد، به صورت پسوند مطابقت بعد از فعل قرار می‌گیرد که در این صورت همراه با فاعل فعل لازم، که همیشه به صورت پسوند بر روی فعل ظاهر می‌شود، در یک رده قرار می‌گیرند و در تقابل با فاعل فعل متعدی هستند که فارغ از محذوف بودن یا نبودن واژه‌بست با آن مطابقت می‌کند. این نظام انطباق از نوع نظام کنایی-مطلق است، مانند مثال ۱. در شرایطی که مفعول در جمله حاضر باشد (مثال ۲) و یا مفعول سوم شخص مفرد محذوف باشد (مثال ۳) نظام انطباق سه بخشی<sup>۱</sup> داریم به این ترتیب که فاعل فعل لازم با پسوند، فاعل فعل متعدی با پی‌بست و مفعول بدون نشانه مطابقت ظاهر می‌شود.

(2) tū aṛā če īma=t kyās aṛā īnā  
2SG for what 1PL=BP.2SG send.PST to here

«تو برای چه ما را فرستادی اینجا»

(3) wāt=it  
say:PST=2S

«تو (آن را) گفتی»

مورد سوم نظام انطباق در صورتی است که مفعول محذوف ضمیر اول شخص یا دوم شخص مفرد باشد؛ در این صورت، به شکل پی‌بست ضمیری بر روی فعل ظاهر می‌شود که با توجه به آنکه فاعل نیز به صورت پی‌بست بر روی فعل ظاهر می‌شود، حاکی از نظام غیر فاعلی مضاعف<sup>۲</sup> است:

1. tripartite

2. double oblique

## 4) dī=t=im

see.PST=2S=1S

«من تو را دیدم»

## 5) dī=m=it

see.PST=1S=2S

«تو مرا دیدی»

نویسندگان در صفحه ۲۴ فعل وجودی hē- «هستن» را ادات در نظر می‌گیرند و عنوان می‌دارند به دلیل اینکه نمی‌توان آن را با پیشوند اخباری و التزامی به کار برد hē ادات است، در حالی که در زبان‌های کردی و فارسی (و احتمالاً دیگر زبان‌های ایرانی) نیز فعل وجودی هستن نمی‌تواند با این پیشوندها بیاید از این رو شاید ویژگی فعل «هستن» در این است که نمی‌توان آن را با پیشوند اخباری و التزامی به کار برد و در نظر گرفتن آن در مقوله ادات درست نمی‌نماید. نکته قابل توجه در این است که در همان صفحه عنوان می‌شود که در زمان حال hē صیغگانی دارد که شمار و شخص را نشان می‌دهد. همچنین hē می‌تواند نشان‌دهنده مالکیت باشد. در صفحه ۵۷ نویسندگان hē را فعل وجودی در نظر می‌گیرند که با ادعای اولیه آنها که این فعل ادات است، در تناقض می‌باشد.

از ویژگی‌های جالب گونه گوراجوبی از زبان گورانی استفاده از فعل هستن و فعل کمکی بودن برای بیان ساخت‌های استمراری است (مثال ۶).

## 6) min bī-m ma-raft-īm

I was-1SG IPFV-go.PST-1SG

«من همین الان داشتم می‌رفتم»

طبقه حروف اضافه شامل پیش اضافه (arā «برای، به»، až «در، از، به، بعد) پیرااضافه<sup>۱</sup> (až dile ... =ay «در میان») و پس اضافه (ay در گروه حرف اضافه wa-gard īrān=ay «با ایران، به ایران») است. در زیربخش حروف اضافه مثالی از پس اضافه آورده نشده و با مراجعه به متون است که خواننده به وجود پس اضافه پی می‌برد.

توالی بی‌نشان کلمات در بند فاعل-مفعول-فعل-مقصد است هر چند که این ترتیب آزاد است. ساخت-های ارتقا در این زبان وجود ندارد. زبان گورانی نیز مانند دیگر زبان‌های ایرانی ضمیرانداز است. بند موصولی با متمم‌نمای ka «که» آغاز می‌شود که بعد از هسته اسمی قرار می‌گیرد. همچنین، بند متممی همانند دیگر زبان‌های ایرانی پس از فعل قرار دارد (نیز رک. دبیرمقدم، ۱۳۹۲).

در فصل سوم، یکی از ۹ متن موجود در فصل ۴ انتخاب شده و تکواژ، به تکواژ، به صورت کامل معادل گذاری شده که سبب می‌شود خواننده به خوبی با ساخت زبان گورانی و نقشی که تکواژها بر روی فعل و اسم و دیگر اجزای کلام دارند، آشنا شود.

---

1. circumposition

فصل چهارم ۹ داستان را که از گویشوران روستا ضبط شده، همراه با ترجمه آورده است. بیشتر متون مربوط به داستان‌های عامیانه است که سینه‌به‌سینه نقل شده و نیز شامل متونی درباره مراسم ازدواج است. در این فصل، ترجمه هر جمله در کنار آن آمده و از دادن معادل برای تکواژها آن گونه که در فصل ۳ آمده، خودداری شده است.

فصل پنجم کتاب به واژگان زبان گورانی روستای گوراجوب اختصاص دارد. اکثر واژگان همراه با مثال در یک جمله آمده است که در درک بهتر معنای واژه به خواننده کمک می‌کند.

ایراد کلی که می‌توان به کتاب گرفت در فصل ۲ است که در آن برای بعضی جمله‌ها معادل تک تک تکواژها داده شده است که این کار خواننده را برای درک معنی و نقش واژه‌ها و تکواژها آسان می‌کند، اما در بعضی از جملات معادل واژه‌ها و تکواژها در زیر آنها قید نشده که مطمئناً کار خواننده را برای درک تحلیل‌های ارائه شده سخت می‌کند.

در پایان، می‌توان گفت تدوین دستور زبان‌هایی ارزشمند از این دست که با دقت علمی و پشتکار خاص نویسندگان آن همراه بوده است، برای سایر زبان‌های ایرانی که در خطر انقراض هستند، یک ضرورت به شمار می‌آید.

## منابع

- اشمیت، ر. (۱۳۸۲)، *زبان‌های ایرانی*، ترجمه رضایی باغبیدی و دیگران. تهران: ققنوس.
- دبیرمقدم، م. (۱۳۹۲)، *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. تهران: سمت.
- Haig, G. 2008. *Alignment Change in Iranian Languages: A construction Grammar Approach*. Empirical Approaches to Language Typology [EALT] 37. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Korn, A. 2003. Balochi and the concept of North-West Iranian. In Agnes Korn & Carina Jahan (eds.), *The Baloch and their Neighbours: Ethnic and Linguistic Contact in Balochistan in Historical and Modern Times*, 49-60. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- MacKenzie, D. N. 1966. *The dialect of Awroman (Hawrāmānī luhōn): Grammatical Sketch, Texts and Vocabulary*. Copenhagen: Munksgaard.
- Paul, D. 2011. *A Comparative Dialectal Description of Iranian Taleshi*. Ph.D. dissertation, University of Manchester.
- Paul, L. 1998. The position of Zazaki among West Iranian languages. In Nicholas Sims-Williams (ed.), *Proceedings of the Third European Conference of Iranian Studies held in Cambridge, 11th to 15th September 1995. Part I: Old and Middle Iranian Studies*, 163-177. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Thackston, W. M. 2006. *Sorani Kurdish, A reference grammar with selected readings*. <http://www.fas.harvard.edu/~iranian/Sorani/index.html>